بررسی شخصیت جنایی رئیس جمهور آمریکا در گفت‌وگو با دکتر علی نجفی‌توانا

ترامپ؛ جنایتکاری با شخصیت دوقطبی

«نیروگاه‌ها را بمباران می‌کنم ... هیچ قصدی برای بمباران نیروگاه‌ها ندارم.»، «تنگه هرمز را به هر قیمتی باز می‌کنم ...، تنگه هرمز هیچ اهمیتی برایم ندارد و اروپایی‌ها به‌دلیل نیاز به سوخت باید راهی برای بازکردن آن پیدا کنند.»، «باید توافق کنند ... برایم مهم نیست سر میز مذاکره بیایند یا نیایند.»، «خواهیم دید چه خواهد شد.» و ... اینها بخشی از جملات مبهم و متناقض دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکاست که طی روزهای جنگ بارها به زبان آورده است. تناقض‌گویی‌هایی که حتی باعث شده برخی تحلیلگران و سیاستمداران نیز به‌درستی ندانند در پس ذهن او چه می‌گذرد و صرفا براساس حدس و گمان، گفته‌های او را به‌عنوان یک سیاستمدار تجزیه و تحلیل می‌کنند. کارشناسان با تحلیل شخصیت دونالد ترامپ می‌گویند از آنجا که او از نظر فکری و رفتاری بی‌ثبات است، در لحظه تصمیمی می‌گیرد یا ادعایی را مطرح می‌سازد، اما ساعت یا روز بعد آن را انکار می‌کند. واکنشی که به گفته برخی باعث شده تا شاید آن هیمنه‌ای که پیش از این، از ابرقدرت آمریکا و شخصیت ترامپ در اذهان وجود داشت، دچار خدشه شود. این مسأله را حتی مردم عادی نیز متوجه شده و برخی به طنز به او لقب «خردادی مودی» داده‌اند که هر لحظه افکار و اعمالش تغییر می‌کند و نمی‌توان روی وعده‌های او حساب و کتاب کرد. علاوه‌براین، برخی می‌گویند ترامپ به‌دلیل ارتکاب جنایت‌های جنگی متعدد در زمره جنایتکاران جنگی قرار می‌گیرد و باید پاسخگو باشد. برای بررسی و تحلیل شخصیت جنایی ترامپ به‌عنوان یک جنایتکار جنگی سراغ علی نجفی‌توانا، حقوقدان، جرم‌شناس و استاد دانشگاه رفتیم تا ریشه‌های جنایت‌های او از اپستین تا ونزوئلا و ایران را واکاوی کند.

علی نجفی‌توانا، حقوقدان و جرم‌شناس با اشاره به این‌که نحوه زندگی گذشته دونالد ترامپ و چگونگی ثروت‌اندوزی او در طول سال‌ها، بهترین قرینه و دلایل عینی و تاریخی را در مورد الگوی شخصیتی رئیس جمهور آمریکا ارائه می‌دهد، به جام جم می‌گوید: «شاید به‌دلیل فعالیت‌های متعدد ترامپ در حوزه املاک، داشتن تجارت‌های سوال‌برانگیز و انباشته‌شدن ثروتی انبوه موجب شده تا در وی نوعی توهم و تخیل قدرتمند بودن ایجاد شود. وی برای ثروت‌اندوزی از هر وسیله‌ای استفاده کرد و در سیاست نیز از سازوکار «هدف وسیله را توجیه می‌کند» بهره برد که متاسفانه استفاده از این حربه برای او کارآمدی داشت و اثرگذار بود. متاسفانه ویژگی‌های شخصیتی وی از یک‌سو، نگاه سنتی جمهوریخواهان در آمریکا و همین‌طور حاکمیت تفکر نئومحافظه‌کاران نوین که اوج آن در ترامپ تجلی پیدا کرده را نشان می‌دهد. این دسته افراد، تنها زبانی که می‌فهمند زور است و از آن هم استفاده می‌کنند. آنچنان که جورج بوش اول و دوم روسای جمهور آمریکا تابع همین نوع تفکر، اما با رفتاری متعادل‌تر بودند. حمله به افغانستان و عراق براساس دروغ، اطلاعات نادرست و دروغ‌پردازی رسانه‌ای نمونه‌ای از حاکمیت این نوع تفکر است که اوج این نوع تفکر و رفتار را می‌توان در رئیس جمهور فعلی آمریکا مشاهده کرد.»

خودبزرگ‌پندار

به گفته این جرم‌شناس، رئیس جمهور آمریکا به لحاظ شخصیتی و با توجه به این‌که تابع سیستم ماکیاولیسمی که هدف وسیله را توجیه می‌کند است، قادر به مدیریت رفتار و افکارش نیست. او ادامه می‌دهد: «او به‌راحتی تمام ارزش‌های سیاسی، خانوادگی و حتی دینی را قربانی می‌کند. او در ظاهر معتقد به مذهب کاتولیک است، اما به‌راحتی در مکالمه با رهبر کاتولیک‌های جهان از ادبیات سخیف و غیرمودبانه استفاده می‌کند. این ادبیات نامحترم، تنها در مورد پاپ به کار گرفته نشده، حتی در مورد دوستان و هم‌پیمانان خود از واژگانی که به‌نوعی ترور شخصیتی، سیاسی و حتی اجتماعی باید تلقی شود، صحبت می‌کند. بنابراین به‌دلیل تکرار این ویژگی‌ها دچار خودبزرگ‌پنداری، توهم و شاید بیراه نگفته باشم شخصیتی دوقطبی شده است. به لحاظ جرم‌شناسی، از نظر بنده، ایشان درگیر یک حالت خطرناک است، خطرناک در بعد سیاسی همین بس که با تکیه بر ابزار زور که قوانین ریاستی کشور ابرقدرتی مانند آمریکا در اختیار او قرار داده است، بدون هماهنگی با کنگره و حزب خود به کشورها حمله‌ور می‌شود، کانادا را یکی از استان‌های خود تلقی می‌کند، رئیس جمهور ونزوئلا را می‌دزدد و تعرفه‌های عجیب و غریب در خصوص روابط جاری‌اش با سایر کشورها اعلام می‌کند. مجموع اینها در کنار هم و این‌که صحبت‌هایش قابلیت اجرایی و عملیاتی پیدا نمی‌کند، بستری فراهم کرده که در آن اعتبار جهانی دونالد ترامپ به کمترین میزان خود می‌رسد. تا آنجا که با توجه به اطلاعات تاریخی، از زمان استقلال آمریکا او جزو بی‌ارزش‌ترین و کم‌اعتبارترین روسای جمهور آمریکا محسوب می‌شود. زمانی او یکی از محبوب‌ترین‌ها در آمریکا و نماینده یک کشور ابرقدرت بود، اما با توجه به رفتار قلدرمآبانه، حالا میزان محبوبیت او به زیر ۳۲ درصد کاهش پیدا کرده است.»

نجفی‌توانا می‌گوید با مطالعه شخصیت قدرت‌طلب و بیمارگونه رئیس جمهور فعلی آمریکا و در پیوند با جنگ ایران، می‌توان ویژگی تحریک‌پذیری را در او نیز مشاهده کرد، توضیح می‌دهد: «یکی از ویژگی‌های افراد مهاجم تحریک‌پذیری است و این ویژگی تا جایی روی نقطه‌ضعف او اثرگذار است که با تحریکات بنیامین نتانیاهو و دامادش جرد کوشنر که یک یهودی است، زمینه‌ای فراهم شده تا ابزار دست نخست‌وزیری شود که امروز به‌عنوان یک جنایتکار جنگی قابل تعقیب بوده و حکم جلبش صادر شده است. می‌توان گفت دونالد ترامپ به لحاظ جرم‌شناسی یک پیش‌بزهکار است که اقداماتش بدون مطالعه، هیجانی و احساسی است. به‌نوعی بنده و در چارچوب تعریف روان‌شناسی جنایی، او را تابع شورمندان و افسردگان می‌دانم. افرادی که هیجانی عمل می‌کنند و سپس از اقدامات خود پشیمان می‌شوند. این‌گونه افراد، عملکرد ناموفق، واکنش‌ها، سرزنش‌ها، مواخذه دیگران و تجارب ناخوشایند گذشته را مرتب فراموش کرده و مجدد و بدون مطالعه دست به همان اقدامات زده و تجربه‌های تلخ گذشته را دوباره را تکرار می‌کنند. بنابراین، خودمحوری، عدم ترس از واکنش‌های دیگران و عدم استفاده از تجارب گذشته را به‌عنوان سه ویژگی الگوی شخصیت بزهکار می‌شناسیم و اعتقادم این است که او این سه ویژگی را دارد. ترامپ علاوه‌براین‌که از تجارب منفی گذشته خود تجربه نگرفته، از واکنش‌های جهانی نترسیده و از ادعاها و صحبت‌هایش نتیجه نگرفته، به‌دلیل خودمحوری و خودخواهی خود را مرکز عالم و محور جهان و به‌نوعی کدخدای خودخوانده تلقی می‌کند. این اوج خودمحوری در فردی است که روی خودمدیریت ندارد و هم دیگران و هم خود را آزار می‌دهد. به‌نوعی ایشان دارای شخصیت دوقطبی است.»

او جنایتکار جنگی است

«کسی که مبادرت به نسل‌کشی و تجاوز به دیگران کرده و مرتکب جنایات جنگی می‌شود، یک جنایتکار جنگی است و دونالد ترامپ هر سه را انجام داده است.» اینها را نجفی‌توانا می‌گوید و ادامه می‌دهد: «او مدارس و مراکز پژوهشی و زیرساخت‌ها را از بین برده و تعداد زیادی غیرنظامی را کشته است. من معتقدم ترامپ در پیوند با جنایاتی که اسرائیل در غزه و لبنان مرتکب شده به‌نوعی با در اختیار قرار دادن انواع سلاح‌ها معاونت می‌کند، این درحالی است که کشورهایی مانند ایتالیا و اسپانیا که هم‌پیمان آمریکا بودند، از برقراری روابط تجاری مربوط به ارسال تجهیزات نظامی به‌دلیل ارتکاب جنایت در لبنان و فلسطین و ایران خودداری کردند.»

او با ابراز تاسف برای کشور آمریکا و ملت آن می‌گوید: «زمانی آمریکا با استعمارگران جهانی مانند انگلستان مبارزه کرده و قانون اساسی‌اش براساس دفاع از آزادی و حقوق بشر به‌عنوان یک اصل مسلم شناخته شده، اما امروز خودشکن بوده و به بزرگ‌ترین استعمارگر تبدیل شده است. درواقع، دور بودن آمریکا از جنگ جهانی اول و دوم و عدم امکان تعرض به این کشور باعث شد تا کشورها و ابرقدرت‌های دیگر ضعیف شده و این کشور به‌عنوان ابرقدرتی که دور از گزند جنگ بوده و متاسفانه مسئولان آن دچار نوعی غرور ملی غیرمتناسب و غیرموجه شوند. نتیجه تفکر اجتماعی ناشی از آن غرور ملی موجب شده تا شخصی مانند دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور انتخاب شود. می‌بینم آمریکا به‌ظاهر آزادیخواه است، اما درواقع کشوری است که اگر احساس کند کشوری برخلاف منافع ملی‌اش حرکت می‌کند و خطرآفرین است، با آن به شدت برخورد می‌کند. تصور می‌کنم ترامپ برآیند تفکر ساخته‌شده توسط رسانه‌ها در آمریکاست که خود را کشور برتر دانسته و همین انتخاب باعث می‌شود تا ترامپ خود را برتر از هر موجودی دانسته و متعهد به هیچ مسلک و اخلاقی نداند. جالب این‌که هم خود ترامپ و هم وزیر جنگش پیت هگست گفته‌اند ما به هیچ قانونی معتقد نیستیم و درواقع قانون یعنی من؛ آن‌قدر که رابرت دنیرو، هنرپیشه معروف و آزادیخواه آمریکا می‌گوید: «نه به پادشاهی». زیرا تفکر این‌گونه افراد، تفکر فرمانروایان مستبد است و ترامپ تصور می‌کند دارای چنین قدرتی است.»

گره کور یک پرونده جنایی

گره پرونده مرگ مرموز مردی در موتورخانه زمین کشاورزی با برگزاری مراسم قسامه هم بازنشد تا دستور توقف رسیدگی صادر شود.

رسیدگی به پرونده مرگ مشکوک مردی میانسال به نام حیدر، از نخستین روزهای سال ۱۴۰۳ و با کشف جسد او در موتورخانه یک زمین کشاورزی در حاشیه پایتخت کلید خورد؛ پرونده‌ای که ابتدا رنگ و بوی یک حادثه ساده داشت اما با پیشرفت تحقیقات، به معمایی جنایی تبدیل شد.

با اعلام کشف جسد به مرکز فوریت‌های پلیسی، تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی همراه بازپرس ویژه قتل در محل حاضر شدند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد جسد مرد میانسال در حالی روی زمین افتاده که سیم لخت برق در نزدیکی او قرار دارد؛ موضوعی که فرضیه مرگ بر اثر برق‌گرفتگی را تقویت می‌کرد. با این حال، وضعیت قرارگیری جسد و برخی نشانه‌های دیگر، تردیدهایی را در ذهن کارآگاهان ایجاد کرد.

در نخستین گام، مجید، دوست قدیمی مقتول بود و موضوع را به پلیس اطلاع داده بود، مورد بازجویی قرار گرفت. او در توضیح ماجرا گفت: «من و حیدر سال‌ها با هم دوستی داشتیم و روز حادثه برای آبیاری زمین او به محل رفتیم. بعد از ورود، متوجه شدیم پمپ آب دچار مشکل شده است. حیدر برای بررسی وارد اتاقک تأسیسات شد و من برای صحبت با آب‌بان منطقه از محل فاصله گرفتم. وقتی برگشتم، او را روی زمین دیدم و چون سیم برق هم کنارش بود، تصور کردم دچار برق‌گرفتگی شده؛ به همین دلیل بلافاصله موضوع را به اهالی و اورژانس اطلاع دادم.»

با دستور بازپرس، جسد برای تعیین علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. نتیجه بررسی‌ها اما همه معادلات اولیه را بر هم زد؛ کارشناسان علت تامه مرگ را «وارد آمدن ضربه شدید به سر» اعلام کردند، نه برق‌گرفتگی. همین یافته، مسیر پرونده را تغییر داد و مجید به‌عنوان مظنون اصلی بازداشت شد.

در ادامه تحقیقات، فرضیه همدستی افراد دیگر نیز مطرح شد. به همین دلیل آب‌بان منطقه و یکی از اهالی که احتمال می‌رفت در ماجرا نقش داشته باشند، به اتهام معاونت در قتل تحت بازجویی قرار گرفتند.

همزمان، بررسی‌های بیشتر نشان داد حیدر و مجید از مدت‌ها قبل مراودات مالی گسترده‌ای داشته‌اند و در زمینه خرید و فروش زمین، خودرو و املاک با یکدیگر شریک بوده‌اند؛ موضوعی که احتمال وقوع جنایت با انگیزه اختلاف مالی را تقویت کرد. از سوی دیگر، برخی از اهالی در تحقیقات اعلام کردند خودروی شاسی بلند مقتول که مقابل زمین پارک شده بود، دقایقی پس از ورود او به زمین به‌طور مرموزی جابه‌جا شده است؛ نکته‌ای که بر ابهامات پرونده افزود. با این حال، مجید در بازجویی‌ها هرگونه دخالت در قتل را انکار کرد و گفت: «خودروی من و حیدر هر دو یک مدل شاسی بلند است و احتمالا اهالی دچار اشتباه شده‌اند. من هیچ اختلافی با او نداشتم و شوک حادثه باعث شد تصور برق‌گرفتگی را مطرح کنم.»

در نهایت، با ادامه بررسی‌ها، بی‌گناهی آب‌بان و فرد دیگر برای مقام قضایی محرز شد و برای آنها قرار منع تعقیب صادر شد. این دو نفر نیز در ادامه به نفع مجید شهادت دادند و اعلام کردند که در زمان وقوع حادثه، او نزد آنها بوده و نقشی در مرگ حیدر نداشته است.

با تکمیل تحقیقات، برای مجید کیفرخواست صادر و پرونده به شعبه سوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در نخستین جلسه رسیدگی، اولیای‌دم شامل همسر و فرزندان مقتول، با طرح شکایت، خواستار قصاص شدند و مدعی بودند متهم با صحنه‌سازی تلاش کرده مرگ را به شکل برق‌گرفتگی جلوه دهد.

در مقابل، مجید بار دیگر اتهام را رد کرد و بر بی‌گناهی خود تأکید داشت. پس از پایان دفاعیات و بررسی مستندات، قضات با توجه به نبود ادله قطعی، پرونده را از مصادیق «لوث» تشخیص دادند و حکم به برگزاری مراسم قسامه صادر کردند.

براساس این حکم، ابتدا اولیای‌دم موظف بودند ۵۰ نفر را برای ادای سوگند به دادگاه معرفی کنند تا بر ادعای خود مبنی بر قاتل بودن متهم تأکید کنند اما آنها موفق به تأمین این تعداد نشدند. در ادامه، نوبت به متهم رسید تا برای اثبات بی‌گناهی خود ۵۰ نفر را به دادگاه بیاورد اما او نیز از انجام این امر ناتوان ماند. در نهایت، با عدم تحقق شرایط قانونی قسامه از سوی طرفین، قضات رأی به توقف رسیدگی در این پرونده صادر کردند؛ تصمیمی که باعث شد راز این مرگ مرموز همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی بماند.

سناریوی کارمند زن برای سرقت میلیاردی

زن کارمند یک شرکت که با همدستی شوهرش کارکنان مرد را فریب داده، پنج خودروی میلیاردی را سرقت و به انبار لاستیک دستبرد زده بود، همراه همدستانش بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل هفته گذشته مرد تاجری با حضور در پلیس آگاهی تهران شکایت کرد و گفت: پنج خودرویم که چهار تا هشت میلیارد تومان ارزش داشتند به سرقت رفت و نیز انباری از لاستیک‌هایم که هفت میلیارد تومان ارزش داشت، مورد دستبرد قرار گرفته است.

فیلم دوربین‌های مداربسته از بین رفته و نمی‌دانم چه افرادی به دفتر شرکتم در شمال غرب تهران آمده و اموال را برده‌اند.

ماموران در بازبینی فیلم دوربین‌های مداربسته مغازه‌های اطراف توانستند تصاویری را به دست آورند که نشان می‌داد تعدادی از کارکنان شرکت در حالی که یکی از کارمندان خانم هم در میان‌شان بوده، وارد ساختمان شدند و پنج دستگاه خودروی مدل بالا و لاستیک‌ها را به سرقت بردند. کارکنان شرکت تحت تعقیب قرارگرفتند تا این‌که چهار نفر از کارکنان نزد شاکی رفتند و خودروهای سرقتی را تحویلش دادند و مدعی بودند فریب زن کارمند را خورده‌اند. در ادامه کارمند زن، شوهرش و یکی از دیگر از متهمان دستگیر شدند. زن جوان در اظهاراتش گفت: به خاطر جنگ شرکت‌مان به طور موقت بسته شده بود و از صاحب آن هم خبری نبود. وسوسه شدیم اموال را در این شرایط به سرقت برده، ناپدید شویم و سر فرصت خودروها و لاستیک‌های سرقتی را بفروشیم. خودروهای میلیاردی را در اختیار کارکنان مرد قرار دادیم و لاستیک‌ها را در انباری در جنوب تهران دپو کردیم اما از شانس بدمان کارفرما زودتر بازگشت و وقتی شرکت را بررسی و متوجه ماجرا شد، شکایت کرد. تعدادی از همکارانم خودروهایی که در اختیارشان بود را به شاکی بازگرداندند. یکی از همدستانم هم از ترس ماشین را در جنوب شهر رها کرد. ما نیز به دنبال فروش لاستیک‌ها بودیم که گرفتار شدیم.

با اعتراف این زن، شوهرش نیز به همدستی با او در سرقت اعتراف کرد.

صیاد خاکزاد، بازپرس شعبه دهم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تایید این خبر به جام جم گفت: برای این سه متهم قرار قانونی صادر شد. محموله لاستیک‌ها هم کشف و قرار شد تحویل مالباخته شود.

ادعای قتل پدر با امواج مغناطیسی

دختر جوان که مدعی بود اعضای خانواده‌اش با امواج مغناطیسی پدرش را کشتند، با نظر پزشکی قانونی در مرکز بیماران روانی بستری شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، نیمه دوم فروردین ماه دختر جوانی با حضور در شعبه دهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران از خواهران و برادرانش به اتهام نقش داشتن در قتل پدر سالخورده‌شان شکایت کرد.

با دستور قضایی پرونده به پلیس جنایی پایتخت ارسال شد و شاکی در تحقیقات گفت: مادرم سال‌ها قبل فوت کرد. من و پدر سالخورده بیمارم در یکی از محله‌های تهران زندگی می‌کردیم. خواهران و برادرانم هر وقت به دیدار پدر می‌آمدند، دستگاهی همراه‌شان می‌آوردند و وانمود می‌کردند که به دستور پزشک باید به او شوک الکترونیکی و مغناطیسی بدهند تا روند درمان بهتر شود. هر بار که از این شوک مغناطیسی استفاده می‌کردند؛ حال پدرم بدتر می‌شد اما آنها می‌گفتند من اشتباه می‌کنم و این اقدام آنها برای درمان اوست. پس از گذشت یک‌سال سرانجام پدرمان فوت کرد. خانواده‌ام دست‌بردار نبودند و مرا نیز تحت شوک‌های الکترونیکی و مغناطیسی قرار دادند؛ حالم بد شد. آنها با امواج مرگبار پدرم را کشتند تا اموالش را تصاحب کنند و قصدشان این بود که مرا نیز با همان شگرد از بین ببرند.

اعضای خانواده شاکی برای ادامه تحقیقات احضار و مدعی شدند که پدر سالخورده‌شان مدت‌ها بیمار بوده و به دلیل کهولت سن و بیماری فوت کرده است؛ مرگ او طبیعی بوده. خواهرشان وابستگی شدیدی به پدر داشته و پس از مرگ او روحیه‌اش به‌هم ریخته است. او از بیماری روحی رنج می‌برد و چند بار دست به خودزنی و خودکشی زده است.

آنها حتی مدارک پزشکی پدر خانواده را نیز در اختیار پلیس قرار دادند که در ادامه معلوم شد قتلی در کار نبوده و مرد سالخورده بر اثر بیماری و کهولت سن فوت شده است.

احسان شکیب‌نژاد، بازپرس شعبه دهم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: طبق نظر کارشناسان پزشکی قانونی، دختر جوان دچار اختلال‌های روانی بوده و بحران‌های روحی‌اش خطرناک است و باید در مرکز روانی بستری شود.

توقیف اموال ۶۳ ضدانقلاب خارج‌نشین

اموال ۶۳ نفر از عناصر ضدانقلاب خارج‌نشین و فعال در اقدامات ضدایرانی با دستور قضایی ضبط و توقیف شدند.

به گزارش میزان، در آخرین اقدامات انجام شده، براساس دستور مقام قضایی به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و بانک مرکزی، حساب‌های بانکی، پلاک‌های ثبتی و خودروهای متعلق به ۶۳ نفر دیگر از این افراد در نقاط مختلف کشور شناسایی، ضبط و توقیف شده است. مزدک میرزایی، نیکی کریمی، مهناز افشار، عباس غزالی، سینا سرلک، لیلا اوتادی، شیرین نشاط، بهارک صالح‌نیا و سپیده میترا ابراهیمی (همسر یکی از کارگردانان طنزپرداز معروف)، سیدمرتضی حاجی آقامیری (عضو اتاق بازرگانی ایران)، فرنوش حمیدیان از عناصر مرتبط با ربع پهلوی، مهشید حسینی، خبرنگار شبکه‌های معاند فارسی‌زبان و مجتبی پوربخش، خبرنگار و فعال رسانه‌ای خارج از کشور، از جمله چهره‌های معروف حامی دشمن جنایتکار هستند که حساب‌های بانکی و اموال آنها شناسایی و توقیف شده است. همچنین حساب بانکی، خودرو و پلاک‌های ثبتی متعلق به مسعود شجاعی، کیمیا علیزاده، بختیار رحمانی، میلاد زنیدپور و سوشا مکانی از ورزشکاران حامی آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز شناسایی و توقیف شده است.